

تعاون در قرآن و تعاونی اقتصادی

نوع مقاله: پژوهشی

مرتضی عزتی^۱

رجبعی قیصری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۶

چکیده

برداشت‌های غیر دقیق و نادرست از قرآن و یا ارایه دیدگاه‌های شخصی با استفاده از برخی آیات قرآن به نام دین، موجب ایجاد دیدگاه‌هایی شده است که در برخی موارد با علم و یا تجربه بشری هماهنگی ندارد. این دیدگاه‌ها می‌تواند به تضعیف دین الهی بیانجامد. یکی از این دیدگاه‌ها انتساب تعاونی اقتصادی به اسلام با تمسک به آیه موصوف به تعاون است. در این مقاله کوشش شده است با استناد به آیات قرآن و با روش ترجمه قرآن با قرآن، آیه تعاون ترجمه دقیق شود و از تعاون قرآنی برداشت درست‌تری ارایه شود. براین پایه به این نتیجه می‌رسیم که آیه تعاون در قرآن به موضوع‌هایی که نفع شخصی دنیابی در آن وجود دارد، مانند شرکت‌های تعاونی اقتصادی، دلالت ندارد.

کلید واژه: تعاون، قرآن، شرکت تعاونی، نفع اقتصادی

طبقه‌بندی JEL: P13, P41, J54, N35

mezzati@modares.ac.ir

R_gheisari@pnu.ac.ir

۱ دانشیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

۲ مریبی گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه

هر چند تعاوینی‌های اقتصادی، پیشینه تاریخی گسترهای دارند، ولی در دوران صنعتی به صورت ویژه در چارچوب یک شکل مشارکت اقتصادی تعریف شد و به عنوان گونه‌ای موسسه اقتصادی پذیرفته شد. با این وجود در سده بیستم میلادی در نظامهای کمونیستی و سوسیالیستیه شدت گسترش یافت. به گونه‌ای که در این کشورها، بنگاههای اقتصادی سهامیو شخصی کنار گذاشته شد و همه بنگاهها در قالب تعاونی تعریف شدند. در چین کمونیست، همه کشور به شکل یک تعاونی بزرگ اداره می‌شد.

تعاونی در ایران نیز پیشینه‌ای به تناسب پیشینه جهانی دارد. صرف نظر از گذشته تاریخی، در اوج گسترش تعاوینی‌ها در جهان در آغاز سده ۱۴ خورشیدی، در قانون تجارت ایران، تعاونی به عنوان یک شکل بنگاه اقتصادی تعریف شد و در سال‌های بعد قانون‌های تکمیلی برای آن تصویب شد. دولت ایران نیز در این سال‌ها هزینه‌های زیادی برای گسترش تعاوینی‌ها انجام داد، ولی در عمل تعاوینی‌ها چندان موفقیت نیافتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحت تاثیر همان اندیشه‌ها و تقویت اندیشه‌های کمونیستی، برای برجسته‌تر کردن جایگاه تعاوینی‌ها، در قانون اساسی از تعاون به عنوان یک بخش اقتصادی در کنار دولت و بخش خصوصی نام برده شد. در پی آن قانون‌ها، مقررات و سیاست‌های حمایتی گسترهای برای توسعه تعاوینی‌ها تصویب و اجرا شد که هزینه‌های سنگینی بر دوش کشور نهاد. با این حال بنگاههای تعاوینی به جز انگشت شماری از آنها، موفقیت چندانی به دست نیاوردند. بخش عمده‌ای از این اقدامات و سیاست‌های حمایتی با این ادعا انجام می‌شد که خداوند در قران امر به تعاون کرده است. افراد بسیاری نیز در این زمینه دست به قلم شدند و کتاب‌ها و مقاله‌های پر شماری در باره امر قران به تعاون نگاشتند.

در همه تاریخ این مساله اساسی وجود داشته است. افراد بسیاری با هدفهای مختلف، دیدگاه‌هایی را به قران و دین نسبت داده‌اند. می‌توان نمونه‌های بسیاری از آن را در تاریخ با عنوان‌های تحریف قران و خطای برداشت از قران و مانند اینها یافت. در باره تعاون با توجه به سخن روشن قران در آیه ۲ سوره مائدہ، می‌توان گفت این ادعا جای تامل دارد که منظور قران (که استناد نویسنده‌گان به امر به تعاون در قران است) امر به تعاوینی اقتصادی با مفهوم و تعریفهای رایج از تعاوینی باشد. برای روشن‌تر شدن مساله و بحث در ادامه نگاهی به فعالیت‌های تعاوینی در ایران می‌کنیم، سپس نگاهی می‌کنیم به پیشینه برخی نوشتنهای اصلی که این آیه را برای توسعه تعاوینی‌ها مستند قرار داده‌اند. سپس در چارچوب داده‌ها و روش، مفهوم، ویژگی‌ها و چارچوبهای بنگاههای تعاوینی را مستند به منابع اصلی ارایه می‌کنیم. آنگاه به بحث در باره آیه ۲ سوره مائدہ و ترجمه مفاهیم آن با استناد به قران یا همان روش ترجمه و برداشت قران به قران می‌کنیم. در پایان

در یک بررسی تطبیقی، چارچوب توصیه قران را با چارچوب بنگاه‌های اقتصادی مقایسه و تحلیل می‌کنیم تا بتوانیم جمع‌بندی پایانی را ارایه کنیم.

۱. مساله

به علت حمایت‌های قانونی بسیار گسترده از تعاونی‌ها، آن هم حمایت از فعالیت‌هایی که تنها صورت آن تعاونی است، تعداد تعاونی‌ها گسترش چشمگیری یافته است. یکی از مهمترین توجیهات حمایت از تعاونی‌ها، نسبت دادن آن به اسلام است که با این توجیه انجام شده است تعاونی در اسلام توصیه شده است و آیه ۲ سوره مائدہ برای تعاونی اقتصادی است. این توجیه‌ها موجب شده است سالانه منابع زیادی از کشور صرف توسعه تعاونی‌ها شود. در حالی که نه آنچه به نام تعاونی گسترش یافته نام، به صورت واقعی تعاونی است و نه به اندازه منابع صرف شده بازده داشته است. نگاهی به آمارهای مربوط به این بخش می‌تواند گویای انحراف تعاونی‌ها و در رفتان منابع در این بخش است. برای روشن‌تر شدن انحراف در مسیر تعاونی‌ها نگاهی به وضعیت تعاونی‌ها در ایران و نیز برخی منابع تخصیص داده شده به تعاونی‌ها می‌کنیم. یکی از معیارهای سنتی در تعاونی‌ها، مشارکت اعضاً تعاونی‌ها در کار است. نگاهی به امارهای تعاونی‌های موجود نشان می‌دهد تعاونی‌ها در ایران چندان با این معیار سازگار نیستند.

آمارها نشان می‌دهد تا پایان سال ۱۴۰۰ تعداد تعاونی‌های فعال کشور ۶۹۲۹۱ شرکت بوده است که غیر از شرکت‌های سهامی عدالت، ۶۸۹۵۰ واحد است. از این تعداد بیشترین تعداد یعنی ۱۸ هزار تعاونی در بخش خدمات، ۱۵ هزار تعاونی در بخش کشاورزی، ۱۱ هزار تعاونی در بخش صنعت و کمتر از ۱۰ هزار تعاونی از نوع تعاونی مسکن هستند.

کل تعاونی‌های کشور نزدیک به ۹ میلیون عضو دارند که نزدیک به ۵ میلیون (۴۹۹۰۸۴۱) نفر در تعاونی‌های مصرف (حدود ۷٪) و نزدیک به ۱/۵ میلیون (۱۴۷۰۷۶۴) نفر عضو تعاونی‌های مسکن (حدود ۱۶٪) هستند. تعداد کل شاغلین این تعاونی‌ها تنها یک میلیون ۳۷۲ هزار نفر است. یعنی به ازای هر ۷ نفر عضو تعاونی تنها ۱/۰۷ نفر اشتغال دارند. برای تبیین بهتر، نگاهی به این نسبت برای انواع تعاونی‌ها می‌کنیم. روشن است که انتظار نیست، در تعاونی‌های مسکن، مصرف، اعتبار، تامین نیازهای صنفی و تامین نیازهای تولیدکنندگان، همه اعضای تعاونی درون تعاونی شاغل باشند. ولی انتظار است اعضای تعاونی‌های صنعتی، حمل و نقل، خدمات، عمرانی، کشاورزی، فرش دستیاف و معدنی درون آن شاغل باشند. البته این تعاونی‌ها می‌توانند افزون بر اعضاء، افراد دیگر غیر عضو را نیز به خدمت بگیرند و شاغلین، بیش از اعضاء باشند. بسیار کمتر بودن تعداد شاغلین از تعداد اعضاء به روشنی می‌تواند گویای آن باشد که در برخی یا بسیاری از تعاونی‌ها،

کوشش شده است ظاهر تعاونی شکل بگیرد (بی آنکه نهاد تشکیل شده یک تعاونی واقعی باشد) تا از این مسیر، افراد از منابع و تسهیلات ویژه تعاونی‌ها بهره‌مند شوند.

جدول ۱: شرکت‌های تعاونی فعال در ایران

نسبت اعضا به شاغلین	نسبت شاغلین به اعضا	تعداد شاغلین	تعداد اعضای شرکت‌های تعاونی			تعداد	موضوع تعاونی
			زن	مرد	مرد و زن		
۶,۵	۰,۱۵	۱۳۷۱۵۴۸	۱۲۵۶۷۹۴	۷۷۰۴۰۰۶	۸۹۶۰۷۸۹	۶۸۹۵۰	کل در پایان سال ۱۴۰۰
۷,۶	۰,۱۳	۵۸۷۲۹	۸۰۳۶۸	۳۶۴۶۹۱	۴۴۵۰۵۹	۶۸۹	اعتبار
۱۳,۲	۰,۰۸	۱۲۳۴۷	۷۳۶۰	۱۵۲۳۰۵	۱۵۹۶۶۵	۸۰۱	تامین نیاز صنفی
۲۳	۰,۰۵	۲۱۶۹۷۳	۷۱۴۱۳۰	۴۲۷۶۷۱۱	۴۴۹۰۸۴۱	۴۰۸۷	تامین نیاز مصرف کنندگان
۶,۳	۰,۱۵	۳۶۸۴۶	۲۷۶۶۷	۲۱۶۶۳۱	۲۴۴۲۹۸	۱۴۹۵	تامین نیاز تولید کنندگان
۵,۲	۰,۱۹	۸۸۰۳۷	۵۸۸۹۹	۴۰۳۰۴۷	۴۶۱۹۴۶	۲۳۹۱	تولیدی توزیعی
۳,۲	۰,۳۱	۵۴۹۱۷	۴۶۶۶	۱۷۲۵۴۴	۱۷۷۲۱۰	۲۱۷۳	حمل و نقل
۲,۲	۰,۴۶	۲۳۳۵۶۸	۷۵۶۳۹	۴۳۷۴۸۱	۵۱۳۱۲۰	۱۷۳۴۹	خدمات
۱,۱۶	۰,۸۶	۱۱۷۶۹۴	۴۳۷۷۲	۹۲۵۴۹	۱۳۶۳۲۱	۱۱۰۳۷	صنعتی
۱,۴۲	۰,۷۱	۱۷۳۸۳	۳۳۱۰	۲۱۲۰۷	۲۴۵۱۷	۱۲۲۱	عمران
۳,۱۷	۰,۴۶	۲۷۰۶۰	۱۷۶۶۲	۴۰۹۹۸	۵۸۶۶۰	۱۱۴۹	فرش دستباف
۱,۶۶	۰,۶۰	۱۳۶۹۱۶	۴۶۰۶۱	۱۸۰۷۱۸	۲۲۶۷۷۹	۱۴۹۱۸	کشاورزی
۴,۱	۰,۲۵	۳۶۰۴۷۸	۱۵۶۹۰۹	۱۳۱۳۸۵۵	۱۴۷۰۷۶۴	۹۷۰۱	مسکن
۴,۹	۰,۲۱	۱۰۶۰۰	۲۰۳۵۱	۳۱۲۶۹	۵۱۶۲۰	۹۳۹	معدنی
		*۲۱۸۳	۱۷۳۸۲۲۹۰	۳۹۷۸۲۲۹۰	۴۸۱۶۷۸۲۲	۳۴۱	سهامی عدالت
		۱۳۷۳۷۳۱	۱۸۶۴۲۳۲۶	۳۸۴۸۶۲۹۶	۵۷۱۲۸۶۲۲	۶۹۲۹۱	کل

مأخذ: سالنامه وزارت تعاون و محاسبه پژوهش

* این آمار تعداد شاغلین دفتر مرکزی را نشان می‌دهد و معیار درستی برای بررسی نیست. البته شرکت‌های سهامی عدالت تعاونی معمول هم نیستند.

این در حالی است که بیش از ۵۰ هزار تعاونی ثبت شده غیر فعال در کشور وجود دارد. تعاونی‌هایی که پس از تاسیس و دریافت تسهیلات تعطیل شده اند و یا به علت‌هایی نتوانسته‌اند و یا نخواسته‌اند به فعالیت ادامه دهند.

علت اصلی ایجاد بسیاری از تعاونی‌ها دریافت امکانات و تسهیلات و به تعبیری استفاده از رانت‌های حمایتی بوده است. از جمله تسهیلات برای تعاونی‌ها، معافیت‌های مالیاتی (۲۵٪) و معافیت ۲۰ درصدی پرداخت حق بیمه تامین اجتماعی، افزون بر این سهم ویژه و بالای تعاونی‌ها از تسهیلات تکلیفی (حدود ۲۵٪) در سال‌های اخیر است.

با توجه به تعطیلی نزدیک به نیمی از تعاونی‌های ثبت شده که از تسهیلات استفاده کرده‌اند به خوبی می‌توان به این نتیجه رسید که بسیاری از تعاونی‌ها تنها برای سوء استفاده از این رانت تخصیصی به تعاونی‌ها، تشکیل شده‌اند.

بر این پایه می‌توان گفت این برداشت نادرست و تخصیص یارانه و منابع عمومی به تعاونی‌ها هم موجب اتلاف منابع عمومی از طریق استفاده منابع و تعطیلی واحدهای با عنوان تعاونی شده است، هم انحراف منابع از مسیر تولید کارا را با تخصیص منابع به بنگاه‌های غیر تعاونی با ساختن شبه تعاونی و حرکت در مسیر غیر کارای بنگاه‌ها، به همراه داشته و موجب کاهش بهره‌وری، کارایی و رشد اقتصادی شده است و مهمتر اینکه نسبت دادن تعاونی به عنوان بنگاه اسلامی، موجب شده است که برداشت شود دیدگاه‌های اسلامی موجب ناکارایی و انحراف منابع هستند.

۲. پیشینه

نوشته‌های بسیاری درباره تعاون با برداشت‌هایی به نام اسلامی منتشر شده است. از میان این نوشته‌های گسترده تنها تعداد اندکی از سوی متخصصان ارایه شده است. نگاهی به مهمترین اینها می‌کنیم.

شافعی (۱۳۸۷) در نوشته تعاون در قرآن نخست با اشاره به آیه ۲ سوره مائدہ (... تعاونوا على البر و التقوى و لا تعاونوا على الاثم والعدوان ... / و در نیکوکاری و تقوی با یکدیگر همکاری کنید نه در گناه و ستمکاری). آن را مستندی بر تایید تعاونی‌ها از نظر قرآن دانسته است. سپس به تشریح و تبیین کلمات اساسی این آیه یعنی بر، تقوی، اثم و عدوان می‌پردازد. بدین منظور از آیات قرآن به ویژه آیه ۱۷۷ بقره، ۹۲ آل عمران، ۱۵۳ تا ۱۵۱ انعام استفاده کرده است. با توجه به این آیات برای

مفهوم بر سه ویژگی قائل شده است. ویژگی اول اعتقادی شامل توحید، معاد، ایمان به غیب، کتاب و نبوت است. ویژگی دوم اقدامات عملی شامل بر پا داشتن نماز و بخشش مال می‌شود. ویژگی سوم رفتاری و اخلاقی شامل وفای به عهد، صبر بر نامالاییمations در راه ثبات عقیده می‌شود. در ویژگی دوم به بخشش مال یا انفاق اشاره شده است. انفاق مال به فقرا شرط رسیدن به بر قلمداد شده است. انفاق شامل زکات، صدقة، خمس و سایر پرداختها به نیازمندان اعم از انفاق‌های واجب و مستحب است.

در تعریف تقوی اشاره شده است که تقوی داشتن حس و حالی است که دارنده آن خود را از خطرات احتمالی محافظت و مراقبت می‌کند. از جمله صفات متین که در آیات ۱ تا ۵ سوره بقره بیان شده آن است که از آنچه خدا روزی شان کرده است انفاق می‌کنند. در آیات ۱۵۳ تا ۱۵۳ سوره انعام تقوی را پرهیز از اعمالی همچون شرک به خدا، عاق والدین، کشتن فرزندان از ترس قحطی و گرسنگی، نزدیک شدن به کارهای زشت و معاصی (فواحش)، نزدیک شدن به مال یتیم مگر به قصد تبدیل به احسن، کم فروشی و معرفی کرده است. در بیان واژه اثم امده است که ائم به طور کلی به معنی گناه و کار زشت است نظیر خوردن مال حرام، خوردن گوشت مردار، ربا، بهتان، سوء ظن، شرک به خدا و مانند اینها. نویسنده عدوان را نیز مطلق ستم، تجاوز و تعدی ترجمه کرده است. اگرچه این واژه‌ها (بر، تقوی، اثم و عدوان) صرفاً اقتصادی نیستند ولی دستورات اقتصادی (انفاق، زکات، خمس، صرفه جویی در مصرف، فقرزادایی، رسیدگی به قشر مستضعف و ریاخواری) بخش مهمی از محتوای این کلمات است. از آیه تعاون نتیجه می‌گیرد که منظور قران از دعوت به تعاون و همکاری (البته از جنبه اقتصادی) کارهای جمعی و غیر فردی است که برای اداره جامعه لازم است. قرآن مردم را دعوت می‌کند که از فردگرایی و ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی پرهیز کنند و فقرا را در تامین یک زندگی شرافتمدانه یاری کنند. راهکارهایی که می‌توان از طریق تعاون به این هدف رسید به سه شکل است:

- ۱- اغنية کمک‌ها و انفاق‌های خود را مستقیم به نیازمندان پردازند. ۲- ژروتمندان غیر مستقیم اقدام به رفع نیاز فقرا و نیازمندان کنند. به این صورت که آنچه می‌خواهند انفاق کنند در اختیار حکومت اسلامی قرار دهند و حکومت هم بصورت بلاعوض، قرض الحسن و یا سرمایه‌گذاری اعم از دولتی، تعاونی یا خصوصی به آنان بپردازد. ۳- توانگران همراه با قشر بی‌بضاعت شرکت‌های تعاونی تشکیل دهند و سهم سرمایه آنان را از محل انفاق‌ها تامین کنند. حق رای هم برای آنان قابل شوند و سود حاصل از فعالیت شرکت را عادلانه تقسیم کنند. همچنین در صورت نیاز به افزایش سرمایه، سهم مستمندان را هم اغنية پرداخت کنند. در روش سوم اگر حکومت اسلامی بتواند اینگونه انفاق‌ها

را جزء مالیات یا هزینه‌های قابل قبول بپذیرد می‌توان به توانایی این روش در کاهش فاصله طبقاتی، وفاق اجتماعی و تعديل اقتصادی امیدوار بود.

سرآبادانی (۱۳۸۲) در مقاله اقتصاد تعاونی در اسلام با اشاره به جایگاه اقتصاد تعاونی در قانون اساسی، بیان می‌کند تعاونی تاثیر بالایی در تحقق عدالت اجتماعی و تسريع روند رشد اقتصادی دارد و فعالیت اقتصادی تعاونی‌ها از نظر فقهی بلا اشکال است. می‌توان با برنامه ریزی دقیق‌تر و جدی‌تر در امر تعاونی این بخش را در حد مورد نظر قانون اساسی از نظر کمی و کیفی گسترش و توسعه داد. در اسلام از دو جهت، روش تعاونی مورد تاکید و تایید قرار گرفته است: (الف) مبانی اخلاقی و اعتقادی رویکرد تعاون در اسلام مورد تاکید و تبلیغ قرار گرفته است، بهطوری که می‌توان رویکرد تعاون را یکی از پایه‌های اساسی پیروزی و تداوم حیات اسلام نامید. (ب) از نظر فقهها نیز مجوز فعالیت تعاونی‌ها (به ویژه تعاونی مصرف) داده شده است.

از نوشتار چنین برمی‌آید که نویسنده بیشتر به نقش تعاونی‌ها در رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی و چگونگی گسترش تعاونی‌ها پرداخته است و به این رویکرد که آیا تعاونی‌ها به شکل شرکت‌هایی که به دنبال کسب منافع برای همه اعضا است، همان چیزی است که از آیات قرآن استنباط می‌شود، اشاره‌ای نشده است.

یوسفی (۱۳۸۸، ۷۳ و ۷۴) در کتاب اقتصاد تعاونی از منظر اسلام در تحلیل واژه تعاون بر اساس آموزه‌های اسلامی از آیه «... و تعاونوا على البر و التقوى ...» برداشت می‌کند که در تعاون دو عنصر اصلی وجود دارد: (الف) همکاری و همیاری (ب) داشتن هدف مجموعه افرادی که می‌خواهند با هم همکاری کنند باید دارای هدف مشترکی باشند. خدای متعال در این آیه از مردم می‌خواهد که همکاری خود را به هدف رسیدن به اموری که خیر و تقوی است قرار دهند و در اموری که گناه و دشمنی است همکاری نکنند. برای نمونه همکاری مردم در تولید محصول انگور هم می‌تواند به هدف استفاده از تولید انگور برای خوردن و تبدیل آن به سایر مواد غذایی و دارویی باشد و هم به قصد تبدیل آن به شراب. هر دو نوع همکاری، تعاون نامیده می‌شود؛ اما در یکی هدف از همکاری امر خیر و تقوی است و در دیگری رسیدن به شر و گناه. بنابر این معنای اصطلاحی تعاون را با استفاده از آموزه‌های اسلامی می‌توان چنین بیان کرد: هر نوع همکاری برای رسیدن به هدفی مشترک را تعاون می‌نامند، ولی اسلام تنها تعاون با هدف مجاز را تایید می‌کند. به این ترتیب هم شرکت‌های تجاری سهامی و هم شرکت‌های تعاونی مصاديقی از تعاون هستند. از اینها فهمیده می‌شود همکاری در هر نوع فعالیتی اعم از اقتصادی و غیر اقتصادی مجاز، بر است. فعالیت مجاز هم چیزی است که گناه نباشد و ایجاد دشمنی نکند. در این نوشتار فعالیت اقتصادی با انگیزه رفع نیاز خود و سایر انسان‌ها را بخش تعاونی می‌نامد.

توتونچیان (۱۳۸۱) در تعاون از دیدگاه اسلام و مبانی نظری آن، به قدمت تعاون و فعالیتهای اقتصادی مشارکتی در اسلام اشاره می‌کند و در مقایسه با نظریه‌های جدید در این زمینه بر این نظر است که نباید مساله تعاون و اسلام را جدا از یکدیگر مورد بررسی قرار دهیم. بسیاری از پدیده‌هایی که غرب به صورت یک دستاورده جدید به جهان معرفی نموده است، به صورتی سنتی از دیرباز در کشورهای دیگر به ویژه کشور ما وجود داشته است. مفهوم سرمایه اجتماعی به معنی شبکه نامرئی و غیر رسمی از روایت متقابل بین انسان‌ها در یک جامعه که امروزه در غرب مطرح شده است، در صدر اسلام همه در زمان حضرت رسول (ص) و هم در زمان حضرت امیر (ع) مورد تاکید بوده است. فاکتورهای سرمایه اجتماعی عبارتند از اخلاق، مسئولیت پذیری، وجود کاری و احترام به دیگران. بستن عقد اخوت در بین مهاجرین و انصار در زمان حضرت رسول (ص) از جمله اقدامات ایشان در راستای ایجاد سرمایه اجتماعی بود. نبود سرمایه اجتماعی مشکل عدمه تعاونی‌ها است. وی بر این باور است هدف اقتصاد اسلامی عبارت است از به حداقل رسانیدن آثار خارجی مثبت و به حداقل رساندن آثار خارجی منفی و از این طریق عدالت اجتماعی محقق می‌شود. عبارت کوتاه قرآنی "انما المومنوں اخوه" نمونه‌ای بارز از این عدالت است. طبق این عبارت توابع مسئولیت افراد نسبت به یکدیگر تاثیر متقابل دارند.

به طور کلی می‌توان از این پیشینه این را برداشت کرد که بیشتر نویسنده‌گان تعاون در قرآن را با تعاونی اقتصادی معمول منطبق نمی‌دانند بیشتر تلاش شده است که مغایر نبودن این دو را بیان کنند. ولی نتیجه‌گیری برخی با این استدلال مبنی بر اینکه تعاون قرآنی می‌تواند همین تعاونی‌های اقتصادی باشد یا همین تعاونی‌ها است، قابل تأمل است.

۳. داده‌ها و روش

ما در اینجا دو دسته داده داریم، یکی مفهوم، ویژگی‌ها و چارچوب تعاونی و دیگری، آیه‌های قران در باره تعاون و مفهوم‌های به کار رفته در آیه تعاون. ما با یک بررسی تطبیقی، نخست مفهوم، ویژگی‌ها و چارچوب تعاونی اقتصادی را بیان می‌کنیم، سپس اینها را با ویژگی‌های تعاون در قرآن مقایسه تطبیقی می‌کنیم تا اتفاقاً یا اختلاف آنها روشن شود.

۳-۱. مفهوم، ویژگی‌ها و چارچوب تعاونی

واژه تعاون با همین شکل موجود از قرآن به فارسی راه یافته است و به معنای همیاری یا یاری رساندن به یکدیگر است. در تعریف بنگاه‌های اقتصادی تعاونی نیز همیاری نهفته است. برای نمونه تعریف اتحادیه بین‌المللی تعاون برای بنگاه تعاونی را ملاحظه کنید: یک تشکل مستقل از اشخاصی است که برای رفع نیازهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طور داوطلبانه و از طریق

موسسه‌ای اقتصادی و با مالکیت مشترک و کنترل دموکراتیک با هم متحد شده‌اند (شافعی، ۱۳۸۷).

همچنین کارگروه ویژه تعاون در پروژه هزاره سوم سازمان ملل متحد نیز تعاونی را اینگونه تعریف می‌کند: ترتیباتی نهادی که به طور بالقوه قادرند هزینه‌های معاملاتی دسترسی به بازار نهاده‌ها و ستاده‌ها را کاهش و همچنین قدرت چانه‌زنی کشاورزان خردپا را در برابر خریداران و فروشنده‌گان بزرگ افزایش دهد (همان، ۱۳۸۷). این تعریف بیشتر به هدف تعاون اقتصادی پرداخته و با این تجربه ارایه شده است که بیشترین موفقیت تعاونی‌ها در چارچوب تعاونی‌های تامین نهاده و فروش محصولات کشاورزان خردپا رخ داده است. امروزه تجربه‌های جهانی نشان داده است که این‌گونه تعاونی‌ها موفقیت بیشتری داشته‌اند. همچنین قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶، شرکت تعاونی را اینگونه تعریف می‌کند: ماده ۲ - شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی و یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی شرکا از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان و تشویق به پس‌اندازی موافق اصولی که در این قانون مطرح است تشکیل می‌شود. تبصره - تعداد اعضای شرکت تعاونی نباید از ۷ عضو کمتر باشد.

تعریف‌های دیگری نیز در این زمینه ارایه شده است. بیشتر تعریف‌ها که پس از ارایه تعریف بالا اورده شده است، برگرفته از آن تعریف است. برای کوتاه شدن نوشتار از بیان آنها صرف نظر می‌کنیم. برای اطلاع به منابع مرتبط نکاه کنید. از همین دو تعریف بین‌المللی می‌توان به چند نکته پایه‌ای به عنوان چارچوب یا ویژگی‌های پایه‌ای تعاونی دست یافت. ۳. ویژگی اصلی در هدف، روش و حقوق اعضا است:

۱. تعاونی برای مشارکت و همیاری متقابل شکل می‌گیرد.
۲. بنگاه تعاونی برای انتفاع و رفع نیاز خود اعضا شکل می‌گیرد.

۱ برای نمونه نگاه شود به:
مواد ۱۹۰ تا ۱۹۴ قانون تجارت
انصاری، ۱۳۹۸.

آفاسیدی و خامکی، ۱۴۰۰.

امینی، ابراهیم‌زاده، ملکی، ۱۳۸۲.

پویش، ۱۳۸۴.

سازمان بین‌المللی کار، ۱۳۸۴.

شافعی، ۱۳۸۷.

طالب، ۱۳۹۱.

۳. مالکیت تعاونی و دارایی‌های آن به اعضا تعلق دارد و کلیه حقوق، مانند منافع آن متعلق به اعضا است. مالکیت مشترک است. همه اعضا (مالکان) حق رای برابر دارند، هر چند ممکن است مالکیت و سرمایه مالکان در بنگاه برابر نباشد.

۲-۳. آیه تعاون

آیه ۲ سوره مائدہ می فرماید:

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَلِّو شَعَّارَ اللَّهِ وَ لَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَ لَا الْهَدْيَ وَ لَا الْقَلَائِدَ وَ لَا آمِينَ
الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْوَانًا وَ إِذَا حَلَّتِمْ فَاقْسَطَادُوا وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانٌ
قَوْمٌ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبُرُّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى^۱
الْإِثْمِ وَ الْعَدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.**

هان ای کسانی که ایمان آورده مقتضای ایمان این است که - شعائر خدای و - چهار- ماه حرام را حلال مشمارید و نیز کشتن و خوردن قربانی‌های بی‌نشان مردم و قربانی‌های نشان دار آنان را حلال ندانید، و متعرض کسانی که به امید فضل و خوشنودی خدا، راه بیت الحرام را پیش گرفته اند نشوید، و هر گاه از احرام در آمدید می‌توانید شکار کنید، و دشمنی و کینه کسانی که نگذاشتند به مسجد الحرام درآئید شما را وادار به تعدی نکند، یکدیگر را در کار نیک و در تقوا یاری کنید، و در گناه و دشمنی به یکدیگر کمک مکنید و از خدا پروا کنید که خدا شدید العقاب است. این نکته تصریح می‌شود که ترجمه این آیه خاص نیست و مترجمان در کلیت همین مفاهیم را در این آیه یافته‌اند. هر چند برخی تصریح‌ها در برخی ترجمه‌ها بیشتر است. برای نمونه می‌توان به ترجمه‌های زیر توجه کرد (موسوی همدانی: ترجمه المیزان). ۱

۱ ترجمه مشکینی

ای کسانی که ایمان آورده اید ، حرمت نشانه های (توحید و پرستش) خدا (مانند اعمال حج و عمره و مکان های آن عبادات) و حرمت ماه های حرام (که رجب و ذی قعده و ذی حجه و محرم است) و حرمت قربانی بی نشان و قربانی قلاده در گردن و حرمت قاصدان بیت الحرام را که فضل و خشنودی از پروردگارشان را می طلبند نشکنید. و چون از احرام درآمدید می‌توانید شکار کنید ، و عداوت گروهی بدین جهت که شما را از مسجد الحرام بازداشتند شما را وادار نکند که (بر حقوق آنها) تجاوز کنید. و در هر کار خیر و تقوا یکدیگر را یاری دهید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید ، و از خدا پروا نمایید ، که همانا خداوند سخت کیفر است.

ترجمه مکارم شیرازی

ای کسانی که ایمان آورده اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید! و مخالفت با آنها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را ، و نه قربانی‌های بی‌نشان و نشاندار را ، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید ، صید کردن برای شما مانع

۱-۲-۳. تفسیر

اگر به آیه ۲ سوره مائدہ و ترجمه آن توجه شود، چند نکته اصلی و راهگشا، بسیار روشن است: نخست اینکه این آیه خطاب به مومنان است.

دوم اینکه پیش از اینکه دعوت به تعاون شود، تعدادی توصیه و رعایت قاعده‌های اخلاقی مراعات دیگران، ارایه می‌شود. از این مجموعه توصیه‌ها می‌توان این برداشت را کرد که احتمال زیاد دارد توصیه به تعاون نیز در دامنه این موضوع‌ها باشد که اخلاقی و در راستای کمک به دیگران است.

سوم اینکه توصیه به تعاون، به بر و تقوا تخصیص یافته است. یعنی توصیه به تعاون، عام نیست و تخصیص خاص، به دو موضوع بر و تقوا داده شده است. به صورت روش فرقان بیان می‌کند که در

ندارد. و خصوصت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدبیه) بازداشتند، نباید شما را وادرار به تعددی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعددی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!

ترجمه الهی قمشه‌ای

ای اهل ایمان ، حرمت شعائر خدا (مناسک حج) و ماه حرام را نگه دارید و متعرض هدی و قلائد (قربانیان حاجیان چه علامت دار و چه بدون علامت) نشوید و تعرض زائران خانه محترم کعبه را که در طلب فضل خدا و خشنودی او آمده اند حلال نشمارید ، و چون از احرام بیرون شدید (می توانید) صید کنید. و عداوت گروهی که از مسجد الحرام معantan کرددند شما را بر ظلم و بی عدالتی وادرار نکند ، و باید با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری. و از خدا بترسید که عاقاب خدا سخت است.

ترجمه مهدی فولادوند

ای کسانی که ایمان آورده اید ، حرمت شعایر خدا ، و ماه حرام ، و قربانی بی نشان ، و قربانیهای گردن بنددار ، و راهیان بیت الحرام را که فضل و خشنودی پروردگار خود را می طلبند ، نگه دارید. و چون از احرام بیرون آمدید ا می توانید آ شکار کنید ، و البته نباید کینه توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام بازداشتند ، شما را به تعددی وادرار. و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید ، و در گناه و تعددی دستیار هم نشوید ، و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است.

ترجمه صفوی (بر اساس المیزان)

ای کسانی که ایمان آورده اید ، حرمت شعایر الهی و ماه حرام و قربانی حج و قلاده هایی که بر گردن قربانی های حج می آویزند و نیز حرمت راهیان بیت الله الحرام را که فضل و خشنودی پروردگارشان را می طلبند نشکنید ، و هنگامی که از احرام بیرون آمدید می توانید شکار کنید ، و دشمنی گروهی از مردم که شما را از ورود به مسجدالحرام بازداشتند وادراتان نکند که بر آنان تعددی کنید. شما مؤمنان یکدیگر را در نیکوکاری و تقوایشگی یاری دهید و در گناه و تجاوز به یکدیگر کمک نکنید ، و از خدا پروا کنید که خداوند سخت کیفر است.

این دو موضوع (نه چیز دیگر) توصیه به تعاون دارد. در تصریح این تخصیص در ادامه نکته چهارم بیان می‌شود.

چهارم اینکه از تعاون در برخی کارها، یعنی ائم و عدوان نهی شده است. این نهی تصریح می‌کند که قران نه تنها دعوت به تعاون در هر موضوعی را ندارد، بلکه از تعاون در برخی موضوع‌ها هم به صورت صریح نهی کرده است. پس می‌توان گفت توصیه به تعاون موضوع این آیه نیست، بلکه توصیه این آیه به کار نیک و تقوا است که یک روش آن تعاون است. یعنی تعاون را یک روش اجرایی برای نیکو کاری و تقوا دانسته است.

در پایان نیز اشاره و تاکیدی بر تقوا شده و شدید العقاب بودن خداوند را یاداوری کرده است که بیان و تاکید بر اهمیت ویژه تقوا و یاداوری مجازات خدایی است که ضرورت مراعات قاعده‌های اخلاقی و کمک به دیگران و مانع راه درست نشدن و مانند اینها را یاداوری می‌کند.

بر این پایه به صورت روشن می‌توان گفت موضوع این آیه تعاون نیست، بلکه موضوع آیه رعایت برخی توصیه‌های اخلاقی و شعائر مورد پذیرش الهی است. تعاون تنها به عنوان یک روش کار بیان شده و آن هم برای موضوع خاصی که بر نامیده شده است. بر این پایه نباید از این آیه برداشت شود که تعاون یک اصل است، بلکه یک روش اجرایی برای تحقق برخی هدف‌ها و انجام برخی کارها است. اینکه این کارها چیست، با بررسی موضوع بر و تقوا روشن‌تر می‌شود.

۳-۲-۲. برّ (نیکی) در قران

از آیه‌های ۱۷۷ سوره بقره و نیز ۹۲ سوره آل عمران می‌توان معنای برّ را به خوبی تشخیص داد. آیه ۱۷۷ سوره بقره به روشنی بیان می‌کند که «تیکی [برّ] آن نیست که روی خود را به طرف مشرق کنید (که چون مسیحی هستید) و یا به طرف غرب (که چون یهودی هستید)، بلکه نیکی برای کسی است که به خدا و روز آخرت و ملائکه و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان داشته باشد و مال خود را با آنکه دوستش می‌دارد به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان و دریوزگان و بردگان بدهد و نماز را بپا دارد و زکات بدهد و کسانی هستند که به عهد خود وقتی عهدی می‌بنند وفا می‌کنند و از فقر و بیماری و جنگ، خویشتن دارند. اینان هستند که راست گفتند و همین‌ها هستند که تقوی دارند.^۱

^۱ ریاقران کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان): **لَيْسَ الْبَرُّ أَنْ تُؤْلِوا وَجْهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبَرَّ مَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالثَّبَيْبِينَ وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حِبَّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْإِيتَامِ وَالْمَسَاكِينَ وَأَبْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَأَتَى الزَّكَوةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمَتَّقُونَ** ۱۷۷

از این آیه این برداشت می‌شود که معنای اصلی برگسترده است و از ایمان و عبادت خدا تا پرداخت زکات و مال به دیگران و وفای به عهد و خویشندانی در گرفتاری‌ها را در بر می‌گیرد. جنبه اصلی اقتصادی آن نیز کمک بدون چشم داشت به دیگران، یعنی بخشیدن مال به دیگران است. در هیچ یک از دیگر جنبه‌ها نیز در بر گیرنده انتفاع فردی و شخصی انجام دهنده برگزیست.

آیه ۹۲ سوره آل عمران نیز تصریح می‌کند که بر تحقق نمی‌یابد مگر با انفاق یا گذشت از آنچه برای خود دوست دارید. با تعبیر دیگر بر پایه این آیه، هم می‌توان گفت معیار بر، گذشت از خویشن و کمک به دیگران است.

لَنْ تَنْأِلُوا الْبَرَّ حَتَّىٰ تُنْفَقُوا مِمَّا تَحْبُّونَ وَ مَا تُنْفَقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ یعنی شما هرگز به برگزیست تا آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید و هر چه را انفاق کنید خدای تعالی به آن دان است.^۱

در برخی از آیه‌های قران برگزیست که کردارهایی اتلاع شده است که جنبه اخلاقی دارد. مانند آیه ۱۸۹ سوره بقره که وارد شدن از درب منازل و وارد نشدن از پشت (پشت بام، دیوار^۲ یا نقب پشت خانه^۳) منزل را برگزیست.

يَسْأَلُوكُمْ عَنِ الْأَهْلَةِ فُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ النَّاسِ وَالْحَجَّ وَلَيْسَ الْبَرُّ بِأَنْ تَأْتِوا الْبَيْوتَ مِنْ طُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبَرَّ مِنْ أَتْقَىٰ وَأَتُوا الْبَيْوتَ مِنْ آبْوَابِهَا وَأَتَقْوَا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُنْلَحُونَ از تو از هلال‌ها می‌برسند که غرض از اینکه قرص قمر در هر ماه یک بار به صورت هلال در می‌آید چیست؟ بگو اینها وقت‌ها را برای مردم و برای حج معین می‌کنند و این کار خوبی نیست که شما در حال احرام از پشت بام داخل خانه‌ها شوید، بلکه عمل صحیح این است که از خدا برتسید و خانه‌ها را از در درآید و از خدا پروا کنید. باشد که رستگار شوید.^۴

درباره کار اخلاقی بودن برگزیست آیه ۴۴ سوره بقره نیز اشاره کرد که در این آیه بیان می‌شود که آیا مردم را به برگزیست امر می‌کنید، ولی خودتان را در این زمینه فراموش می‌کنید. نکته مهم درباره این آیه آن است که قران کریم در چند آیه قبل و نیز بعد از آن (آیه‌های ۴۰ تا ۴۶) در

۱ قران کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان)

۲ قران کریم، ترجمه علی مشکینی

۳ قران کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

۴ قران کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان)

۵ بقره: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نُعْمَنَتِي الَّتِي أَعَمَّتْ عَلَيْكُمْ وَأَوْقَوْا بِعَهْدِي أُوفَ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّاَيَ فَارْهُونَ ۴۰ وَأَمْنَوْا بِمَا أَنْزَلْتَ مَصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَنْكُونُوا أَوَّلَ كَافِرَ بِهِ وَلَا تَشْرُوْبَا يَابِيَتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّاَيَ فَانْتَهُونَ ۴۱ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَلْمُوْنَ ۴۲ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا الزَّكَاةَ وَارْكُمُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ۴۳ أَتَلْمَوْنَ النَّاسَ

توصیه‌های اخلاقی و نیز توصیه به نماز و زکات می‌کند که همه اینها برای دیگران و بدون نیت نفع شخصی دنیاگی است.

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالبُّرٍّ وَ تَنْسُونَ أَنفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَنْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقُلُونَ. یعنی شما که

کتاب آسمانی میخوانید چگونه مردم را به نیکی فرمان میدهید و خودتان را از یاد می‌برید چرا عقل در نمی‌آید.^۱

۳-۲-۳. کیستی نیکوکار

نکته دیگری که در باره نیکوکاری یا همان بر در قرآن می‌توان یافت و به بحث ما کمک می‌کند، این است که نیکوکاران چه کسانی هستند؟ در این زمینه در قرآن به ۳ نکته مهم بر می‌خوریم. نکته نخست اینکه قران خدا را به عنوان نیکو یا نیکوکار یا بر نام می‌برد. آیه ۲۸ سوره طور چنین می‌فرماید:

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِ نَدْعَوْهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ. یعنی. ما از پیش او را می‌خواندیم (و می‌پرسیدیم) که اوست نیکوکار و مهربان!^۲

نکته دوم اینکه قران بیان می‌کند که برخی برگزیدگان، کردار بر را انجام می‌دهند. در آیه ۱۴ سوره مریم در باره یحیا می‌فرماید: **وَبَرًا بِوَالدَّيْهِ وَ لَمْ يَكُنْ جَبَارًا عَصِيًّا**. یعنی و با پدر و مادرش نیکوکار بود و سرکش و نافرمان نبود.

نکته مهم در باره این آیه آن است که خداوند در آیه‌های ۱۲ و ۱۳ می‌فرماید: درود بر وی روزی که تولد یافت و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود.

در آیه ۳۲ سوره مریم بیانی نزدیک به همین مطلب از زبان عیسی (ع) آمده است که خدا مرا: **وَبَرًا بِوَالدَّتَى وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَارًا شَقِيقًا** یعنی نسبت به مادرم نیکوکارم کرده و گردن کش و نافرمانم نکرده است.^۳ در آیه‌های پیش از آن نیز به دادن کتاب و برپاداشتن نماز و زکات و در آیه پس از آن نیز درود خدا بر عیسی بیان شده است.

بِالْبُرِّ وَ تَنْسُونَ أَنفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَنْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقُلُونَ ۴۴ وَ اسْتَعْيُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى

الْخَاشِعِينَ ۴۵ الَّذِينَ يَظْلَمُونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَ أَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۴۶

۱ قران کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان)

۲ قران کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان)

۳ قران کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان) ترجمه آیه‌های ۳۰ تا ۳۵ سوره مریم:

[عیسی] گفت: من بنده خدایم، مرا کتاب داده و پیغمبر کرد.

نکته سومی که در باره کیستی نیکوکاران در قران می‌توان به آن اشاره کرد، برخورد خداوند با نیکوکاران یا ابرار است. در قران کریم نیکوکاران یا ابرار را دارای جایگاه برجسته نزد خدا و نیز در آخرت می‌داند. برای نمونه در آیه ۱۹۸ سوره آل عمران می‌فرماید:

لَكُنَ الَّذِينَ أَتَّقَوْا رَبَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزَّلًا مِنْ عَنْدِ اللَّهِ

وَمَا عَنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ. یعنی، لیکن آنان که خدا ترس و با تقوا شدن منزلگاهشان بهشت‌هایی است که زیر درختانش نهرها جاری است و بهشت منزل جاودانی آنها است، در حالی که خدا بر آنها خوان و سفره احسان خود را گستردۀ و آنچه نزد خدا است برای نیکان [ابرار] از هر چیز بهتر است.^۱ همچنین در آیه‌های ۵ تا ۱۰ سوره انسان می‌فرماید:

(۵) و نیکوکاران عالم در بهشت از شرابی نوشند که طبعش کافور است.

(۶) از سرچشمۀ گوارایی آن بندگان خاص خدا می‌نوشند که به اختیارشان هر کجا خواهند جاری می‌شود.

(۷) که آن بندگان، نیکو به عهد و نذر خود وفا می‌کنند و از قهر خدا در روزی که شر و سختی - ش همه اهل محشر را فرا گیرد می‌ترسند.

(۸) و بر دوستی خدا به فقیر و اسیر و طفل یتیم طعام می‌دهند.

(۹) و (گویند) ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی هم نمی‌طلبیم.

(۱۰) ما از قهر پروردگار خود به روزی که از رنج و سختی آن رخسار خلق درهم و غمگین است می‌ترسیم.^۲

همچنین در آیه‌های ۲۲ تا ۲۶ سوره مطوفین می‌فرماید:

(۲۲) محقق ابرار غرق در نعمت هستند.

(۲۳) بر اریکه‌ها تکیه زده، تماشا می‌کنند.

(۳۱) و هر جا که باشم با برکتم کرده است ، و به نماز و زکات ما دام که زنده باشم سفارش فرموده.

(۳۲) نسبت به مادرم نیکوکارم کرده و گردن کش و نافرمانم نکرده است.

(۳۳) سلام بر من روزی که تولد یافته و روزی که بمیرم و روزی که زنده برانگیخته شوم.

(۳۴) به گفتار راست ، عیسی پسر مریم که در باره او شک می‌کنند این است.

(۳۵) نشاید که خدا فرزندی بگیرد. او منزه است، چون کاری را اراده فرماید فقط به او گوید: باش پس وجود می‌یابد.

۱ قران کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان)

۲ قران کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان)

(۲۴) در سیمای شان طراوت تنعم مشاهده می‌شود.

(۲۵) از شراب بی‌غش و صافی به ایشان می‌نوشانند.

(۲۶) شرابی که مُهر و مُومش مشک است و شایسته است که مردم نسبت به چنین زندگی مسابقه بگذارند.^۱

نکته:

آیا اگر خداوند در باره انجام بر روشی را توصیه کرده است، می‌توان گفت آن روش برای همه کارها توصیه شده است؟

برای دریافت پاسخ این پرسش به قران نگاه می‌کیم. قران روش کار دیگری را برای بر توصیه کرده است. با نگاه و تعمق در آن می‌توان گفت که نمی‌توان تعاون را یک روش توصیه شده عمومی دانست. آیه‌های ۸ تا ۱۰ سوره مجادله در باره منع نجوا بحث می‌کند. آیه ۸ با عبارت‌های مشابه آیه ۲ سوره مائدہ، بیان می‌کند که برای اثم و عدوان و معصیت رسول خدا نجوا نکید، برای بر و تقوا نجوا کنید. یعنی اینجا نیز یک عمل واسطه را با هدف بر و تقوا توصیه می‌کند. نکته مهم این است که پس از این توصیه در آیه بعدی می‌فرماید به درستی که نجوا کار شیطان است. یعنی به صراحت نفی عمل نجوا در کل و به صورت عمومی می‌شود. یعنی عمل واسطه یا روشی را که برای بر و تقوا پیشنهاد کرده است، عمل شیطان می‌داند و شکی نیست که آن عمل در کل نهی شده است. نکته دیگر اینکه نجوا در آیه‌های دیگر قران هم نهی شده است.

بر این پایه به هیچ وجه نمی‌توان روش توصیه شده برای یک کار را روشی مورد قبول برای همه کارهای دیگر دانست.^۲

۱) قران کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان) عمل عمومی برای

۲) لَمْ تَرِ إِلَيَّ الَّذِينَ نَهَوُا عَنِ التَّحْوِيِّ لَمْ يَعُودُونَ لِمَا نَهَوُا عَنْهُ وَ يَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَ الْعَدُوانِ وَ مَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَ إِذَا جَاءُكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحِيكَ بِهِ اللَّهُ وَ يَقُولُونَ فِي أَنْسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبَنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسَبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلُوْتُهَا فَيُبْشِّرُهُمْ أَمْسِيرًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَ الْعَدُوانِ وَ مَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَ تَنَاجَوْنَ بِالْبَرِّ وَ الشَّفْوَى وَ أَنْقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ إِنَّمَا الْجُوْيِّ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيُحْزِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَيُسَبِّ بَضَارَهُمْ شَيْئًا إِلَّا بِأَنْدُنَ اللَّهُ وَ عَلَى اللَّهِ فَلَيَسْتَوْكُلُ الْمُؤْمِنُونَ^{۱۰}.

ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان):

۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که نجوا می‌کنید، و به گناه و تعدی و نافرمانی رسول (خدا) نجوا

نکنید، و به کار نیک و تقوا نجوا کنید، و از خدایی که همگی نزد او جمع می‌شود بپرهیزید!

۱۰) نجوا تنها از سوی شیطان است می‌خواهد با آن مؤمنان غمگین شوند ولی نمی‌تواند هیچ گونه ضرری به آنها برساند جز بفرمان خدا پس مؤمنان تنها بر خدا توکل کنند!

- بر این پایه می‌توان ویژگی‌ها و چارچوب تعاون در قرآن را چنین برشمرد:
۱. تعاون در قرآن یک روش انجام کار و به معنای همیاری است.
 ۲. آیه ۲ سوره مائدہ، توصیه به انجام کارها به روش تعاون را اختصاص به بر و تقوا کرده است و یک توصیه عمومی نیست. بر در قرآن معنای گستردگی دارد و در تمامی آن پیگیری نکردن انتفاع شخصی دنیابی نهفته است. تقوا نیز خود نگهداری از نواهی دینی و ترس از خدا تعبیر شده است که آن هم معنای پیگیری منافع دنیابی ندارد. یعنی هدف تعاون در بر و تقوا گرفتن سود و رفع نیاز فردی نیست. بلکه گذشتن از خود و رساندن نفع به دیگران (خارج خود) و یا انجام کاری است که سود دنیابی ندارد.
 ۳. در تعاون قرآنی هیچ‌گونه سرمایه اقتصادی تعریف نشده و مالکیت شخصی دنیابی بر دارایی حاصل از بر و تقوا به فرد تعلق نمی‌گیرد، هر چند منافع آخرتی و نعمت‌های بهشتی در انتظار ابرار است. چون در تعاون قرآنی موضوع انتفاع نیست، حقوق مالکیت و حق رای و مانند اینها نیز مطرح نیست.

۴. تحلیل مقایسه‌ای چارچوب و ویژگی‌ها

نخست مقایسه‌ای کوتاه میان ۳ ویژگی تعاون اقتصادی و تعاون در بر و تقوا (تعاون قرآنی) می‌کنیم. ویژگی نخست تعاون اقتصادی همیاری است. در دو نوع مفهوم تعاون اقتصادی و تعاون در قرآن، همیاری و مشارکت در انجام کار مبنای تعاون است. پس از این جهت، تعاون در قرآن و تعاون اقتصادی وجه اشتراک دارند. این وجه اشتراک به این علت است که تعاون یک روش انجام کار است و می‌تواند هر جایی به کار برود و در همه جا از این نظر یکسان است.

در قرآن امر به تعاون به موضوع بر و تقوا تخصیص یافته است و هدف بر و تقوا هدف خاصی است. تعاون اقتصادی با هدف رفع نیازهای دنیابی همه اعضا شکل می‌گیرد که یک بعد آن هم سود شخصی است که در بنگاه‌های اقتصادی هدف است، ولی در تعاون بر و تقوا یا تعاون قرآنی، هدف سود رساندن به دیگران و به ویژه نیازمندان است که در قرآن تاکید بر انفاق نیز شده است. پس در این ویژگی تعاون اقتصادی با تعاون توصیه شده قرآنی متفاوت است و حتی می‌توان گفت مخالف است.

در تعاون اقتصادی بر مالکیت اعضا بر سرمایه و منافع آن تاکید شده است. در حالی که در تعاون بر و تقوا هیچ‌گونه مالکیتی بر سرمایه معنادار نیست. زیرا در تعاون بر و تقوا پس از آغاز کار (تعاون)، هدف تحقق یافته است، ولی در تعاون اقتصادی افراد منتظر تحقق سود آن هستند و این عمل پیوسته و برای دوره‌های بیشتر با همان سرمایه شکل می‌گیرد. در تعاون اقتصادی حقوق

مالکیت معنا پیدا می‌کند، ولی در بر و تقوا حقوق دنیایی مالکیت معنا ندارد. از این رو تعاون در بر و تقوا نمی‌تواند در بنگاه انتفاعی شکل بگیرد و تنها در موسسه‌ای که نفع فردی در آن نیست شکل می‌گیرد، مانند آنچه امروز در ایران خیریه به معنای واقعی نامیده می‌شود. جدول ۲ ویژگی‌های تطبیقی تعاونی اقتصادی معمول و تعاون قرانی را به صورت خلاصه نشان می‌دهد.

جدول ۲: تطبیق ویژگی‌های تعاون قرانی و تعاونی اقتصادی

تعاون قرانی	تعاونی اقتصادی	ویژگی
ندارد	دارد	هدف: سود دنیایی فردی
ندارد	دارد	حقوق مالکیت دنیایی
دارد	دارد	همیاری

منبع: یافته‌های این مقاله

۵. نتیجه

اگر بتوان گفت آیه ۲ سوره مائدہ یک امر به تعاون است، ولی نمی‌توان گفت امر به هر تعاونی است، بلکه یک امر خاص به تعاون در زمینه بر و تقوا است و در مقابل یک نهی از تعاون نیز در زمینه اثم و عدوان است. در باره قران که کلام خدا است، باید به این نکته پایه‌ای دقت شود که خداوند از هرگونه فعل و سخن بیهوده پاک است. بنابر این بیهوده نیست که امر به تعاون در قران یک امر عام نیست. امر یا توصیه استفاده از یک روش در بر و تقوا است. شاید بهتر باشد اینگونه بگوییم که در قران امر به بر و تقوا است که در همه قران به شیوه‌های دیگر به صورت عام امر شده است و در این آیه استفاده از روش تعاون را برای آن توصیه کرده است. با توجه به معنی که در استفاده از این روش برای اثم و عدوان شده است، بهتر می‌توان درک که قران نگفته است تعاون انجام دهید، بلکه در همین آیه تعاون انجام ندهید، در یک کار دیگر را نیز امر کرده است. پس از نگاه دقیق به این آیه می‌توان دریافت که امر به تعاون در کنار نهی از آن است.

شاید بتوان ۳ علت اصلی برای این تخصیص امر به استفاده از روش تعاون در بر و تقوا دانست. یکی اینکه هدف، امر به بر و تقوا و نهی از اثم و عدوان است که به طور کامل با قران و هدف دین سازگار است و قران انسان‌ها را که در برخی موارد تمایل به تعاون دارند به تعاون در بر و تقوا امر و از تعاون در اثم و عدوان که ناسازگار با هدف دین است، نهی کرده است.

دوم اینکه ممکن است این تخصیص به این علت باشد که استفاده از روش تعاون در بر و تقوا مفید و منتج است و ممکن است در معروف‌های دیگر چندان منتج نباشد.

سوم اینکه خداوند، دانای مطلق است و بی شک می داند که تعاون در همه کارها منجر به موفقیت نیست. چنانچه تجربه بشری نیز نشان داده است که تعاون در بیشتر کارها با ذات انسان سازگار نیست. زیرا انسان تمایل دارد همه منافع کار اقتصادی اش به خودش برسد و اگر می خواهد در راه کسب رضایت الهی هم هزینه‌ای انجام دهد، رضایت الهی را برای خودش می خواهد و برای روشن و واضح شدن موضوع تمایل دارد تخصیص همه منافع کار برای خودش باشد تا هزینه‌کردن در راه خدا از سوی او مسجل جلوه کند. از این رو در دنیا نیز غیر از استثنایها که موقت هم بوده است، تعاون در بنگاه اقتصادی، بیشتر در تامین مواد اولیه و فروش محصول بنگاه‌های خصوصی بخش کشاورزی موفق بوده است که با هم در چارچوبی مانند اتحادیه شکلی از تعاونی را ایجاد می‌کنند. بنابر این انتظار نادرستی است که برداشت این باشد که با وجود ناموفق بودن تجربه بشری در باره بنگاه‌های اقتصادی تعاونی عمومی، خداوند امر به تعاون اقتصادی کرده باشد. مهمتر اینکه اگر خداوند می خواست امر عام به تعاون بکند، معنی برای او نبود و اگر چنین امری نکرده است، پس نمی خواسته است امر مطلق به تعاون بشود.

بی شک همه این ۳ مورد درست است، ولی آنچه علت قطعی این بیان بوده است را خدا می‌داند. البته ممکن است تفسیرهای دیگری هم بر این موضوع بشود. ولی به صورت روشن می‌توان گفت خداوند کریم قران را برای هدایت انسان‌ها فرستاده است، پس باید برای آنها قابل پذیرش باشد. برای این هدف، قران باید درک قابل درک باشد. همچنین با دیگر دانسته‌های بشر که با روش‌های همگانی و همه فهم به دست می‌آید، ناسازگار نباشد و نیز با دیگر دانسته‌های بشری منافات نداشته باشد. اگر چنین نباشد، پذیرش آن دچار مشکل می‌شود که با هدف دین و صفات ذات الهی متناقض است.

بیهوده نیست که خداوند حکیم در قران امر به تعاون در بر و تقوا و نهی از تعاون در اثم و عدوان کرده است. نخستین نتیجه روشن آن این است که تعاون یک روش و به تعبیری شیوه انجام کارها است و به خودی خود خوبی و بدی ندارد. یعنی همیاری کردن به خودی خود نه خوب است و نه بد، بلکه همیاری اگر در بر و تقوا باشد، منطبق با هدف دین و اگر در اثم عدوان باشد مغایر هدف دین است و در نتیجه در کارهای دیگر هم ممکن است موافق هدف دین یا مغایر آن و یا حتی بی تفاوت باشد. این بستگی به آن دارد که آن کار دیگر با هدف دین سازگار است و با روش تعاون می‌تواند به موفقیت برسد یا خیر. هر یک از این دو ویژگی نباشد نمی‌تواند مورد توصیه دانای حکیم باشد.

دوم اینکه اگر در قران امر به تعاون در بر و تقوا شده است و از تعاون در اثم و عدوان نهی شده است، می‌تواند امر به بر و تقوا و نهی از اثم و عدوان باشد. روش، اضافه بر موضوع برای تاکیدی

خاص آمده است. مانند اینکه با وجود اینکه در قران نجوا به طور کلی نهی شده و عمل شیطان دانسته شده است، ولی می‌گوید اگر نجوا می‌کنید در بر و تقوا نجوا کنید و در اثم و عدوان نجوا نکنید. یعنی بر و تقوا موضوع امر الهی است و اثم و عدوان موضوع نهی الهی است. تعاون و نجوا اضافه و تخصیصی موردی بر اصل امر و نهی است.

سوم اینکه چون خداوند سخن و امر بیهوده ندارد، به کار غیر موفق و مخالف سرشت انسانی امر نمی‌کند. از آنجا که خداوند آگاه به ذات انسانی است و می‌داند انسان‌ها در پی هدف حداکثر کردن سود خود هستند و تمایل ذاتی دارند که منافع کارشان در اختیار خودشان باشد، حاضر نخواهند شد کاری که با هدف سود انجام می‌دهند از سودش بهره‌مند نشوند. بر این پایه توصیه به تعاون در بر و تقوا با ذات انسانی سازگار است، ولی در فعالیت اقتصادی عام سازگاری ندارد. ممکن است در استثنایاً هم سازگار باشد. در این شرایط توصیه عام به تعاون با چارچوب دین سازگاری ندارد.

بر این پایه می‌توان گفت هدف قران امر به استفاده از روش خاص تعاون نیست. بلکه امر به بر و تقوا و نهی اثم و عدوان است. استفاده از روش تعاون در امور دنیاگی نیز به قابلیت‌های آن برای تحقق هدف‌هایی است که برای آن از روش تعاون استفاده می‌شود و استفاده از این روش ربطی به دین ندارد و نمی‌توان گفت تعاون روشی دینی است. به طور روشن تعاونی اقتصادی هیچ ربطی به دین، قران و به ویژه آیه ۲ سوره مائدہ ندارد. یک شیوه و ترتیب نهادی است که بشر بر پایه علم و تجربه خود در جایی استفاده از آن را مفید دانسته و در جاهای دیگر مفید ندانسته است. این ترتیبات نهادی با آن ترتیبات نهادی قرانی متفاوت و حتی در بسیاری موارد مغایر است.

نکته بسیار مهم اینکه هدف دین گسترش اخلاق است و همه دین برای ان هدف فرستاده شده است. همه آموزه‌ها و سفارش‌های رفتاری دین نیز (جز اصول و هدف دین و توجیه آنها که آن هم در راستای هدف دین است) اخلاقی است و سفارش به بر و تقوا و نهی اثم و عدوان نیز در همین راستا است. از این‌رو برداشت‌های در راستای هدف دین بسیار درست‌تر به نظر می‌رسد و نباید برداشت‌هایی که در راستای هدف دین نیست نباید ملاک باشد.

بر این پایه به جای تحریف قران و یا انتساب امور نادرست به قران یا انتساب امور بر پایه ظن و گمان به قران، باید قران و دین را به صورت درست شناخت و معرفی کرد. تعبیر و نفسیر به ظن و برداشت شخصی، بی‌راهه است. همچنان که قران می‌فرماید: "إِنَّ الظُّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا" ، یعنی هرگز حدس و گمان به جای حق نخواهد نشست.

توصیه مهم دیگر در باره انتساب امور کارشناسی به دین و قران اینکه امور کارشناسی مانند فایده‌مندی نوعی از فعالیت‌های اقتصادی را باید به کارشناسان اقتصادی سپرد و نباید دین را

جایگزین امور تخصصی و حرفه‌ای کرد. چنانچه احادیث متعددی در باره لزوم سپردن امور تخصصی به متخصصان است. از جمله اینکه پیامبر می‌فرمایند امور دنیا را به کارشناسی خودتان انجام دهید و پرسش‌ها در باره دین را از من بپرسید.^۱ یا در جای دیگری پیامبر ص می‌فرماید: من عمل علی غیر علم کان ما یفسده اکثر ممّا یصلاح. یعنی: هر کس که بدون دانش (مهارت و تخصص) به کاری دست زند، بیش از اینکه آن کار را درست انجام دهد، خراب می‌کند.^۲

در پایان هم این توصیه قران تاکید می‌شود که: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ إِلَقْوَلَ فَيَتَبَعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» زمر / ۱۸، یعنی: همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها خردمندانند.

۱ حدثنا محمد بن یحیی، حدثنا عفان، حدثنا حماد، حدثنا ثابت عن أنس بن مالک، و هشام ابن عروة، عن أبيه، عن عائشة، أن النبي ص سمع أصواتا. فقال: ما هذا الصوت؟ قالوا: النخل يؤبرونها. فقال: لو لم يفعلوا لصلاح فلم يؤبروا عامنة فصار شيئاً. فذكروا للنبي ص فقال: إن كان شيئاً من أمر دنياكم، فشأنكم به و إن كان من أمور دينكم، فإلي". یعنی: ...پیامبر (ص) فرمود: اگر گرد افسانی نکنند، نیز درخت خرما با رور خواهد شد. کشاورزان آن سال گرده افسانی نکرده و در نتیجه به محصولی دست نیافتند. این موضوع به اطلاع پیامبر (ص) رسید و ایشان فرمودند: اگر موضوعی مرتبط با دنیا بود خودتان کارشناسی کنید و اگر در امور دین پرسشی دارید به من مراجعه کنید.

سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۸۲۵، باب ۱۵، تلقیح النخل، ح ۲۴۷۱. دار الفکر، بیروت. مشابه همین روایت در صحیح مسلم، ج ۷، ص ۹۵، دار الفکر، بیروت نیز وجود دارد. حدیث ۲۴۷۰، سنن ابن ماجه نیز مشابه این حدیث با سلسله متفاوت است.

۲ الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۴، ص ۴۸۷.

منابع

۱. قران کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان).
۲. قران کریم، ترجمه علی مشکینی.
۳. قران کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۴. قران کریم، ترجمه مهدی فولادوند.
۵. قران کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
۶. آقالسیدی، سیدررضی و خامکی، حسام الدین (۱۴۰۰) تعاونی: تولیٰ تا تعالیٰ، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۷. امینی، محسن و ابراهیم زاده، علی و ملکی، بیژن (۱۳۸۳) شرکت تعاونی از تصمیم تا تشکیل، تهران: رویکرد.
۸. انصاری، حمید (۱۳۹۸) مبانی تعاون، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۹. پویش، جمشید (۱۳۸۴) تعاونی‌ها محور توسعه کشورهای جهان سوم، مجله تعاون، شماره ۱۶۷، صص ۲۳-۳۰.
۱۰. توتونچیان، ایرج (۱۳۸۱) تعاون از دیدگاه اسلام و مبانی نظری آن، مجله تعاون، شماره ۱۳۷، بهمن ۱۳۸۱.
۱۱. حکیمی، محمد؛ حکیمی، محمد رضا و احمد حکیمی (۱۳۹۵) الایات، ترجمه احمد آرام، نشر دلیل ما.
۱۲. سازمان بین‌المللی کار (۱۳۸۴) پیشرفت و توسعه تعاونی‌ها، ترجمه اصغر بیات، تهران: پایگان.
۱۳. سرآبادانی، غلامرضا (۱۳۸۳) اقتصاد تعاونی در اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۴، صص ۱۲۶-۱۰۵.
۱۴. شافعی، غلامرضا (۱۳۸۷) تعاون در اسلام، تهران: وزارت تعاون.
۱۵. طالب، مهدی (۱۳۹۱) اصول و اندیشه‌های تعاونی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۵) اقتصاد تعاونی از منظر اسلام، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۷. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۴۰۱) سالنامه آماری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
۱۸. قانون شرکت‌های تعاونی، مصوب ۱۶/۳/۱۳۵۰
۱۹. قانون تجارت، مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ شمسی و الحاقیه‌ها